



بازسازی بیرسز

نوروز، میزانی نه چندان قابل قبول بزیدها
و میزانی عالی گرمانی ها از گردشگران

هرمراهی زرتشتیان در پاسخ به
سخنان ناروای دکتر پرویز رجبی

متن کامل سخنرانی نماینده
ایرانیان ذوقشی در مجلس



نوروز خجسته

منوچهر باستانی

نوروز خجسته. تعجبی نیست که بعد از گذشتن حدود یک ماه از تحويل سال نو امرور ما شادباش می گوییم، چون قرار نبوده و نیست که نو شدن روز فقط ویژه تحويل سال و شروع فصل بهار باشد. این دو کلمه برای بسیاری از ما نشانه‌ی یک سنت چند هزار ساله است که امسال با ثبت جهانی آن رنگ و بوی دیگری پیدا کرده است.

نوروز خجسته. سال ۱۳۸۸ تمام شد سالی که جدا از برخی مشکلات فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی آن برای ماسالی پر از ناراحتی و غم بود. فصل زمستان سال ۱۳۸۸ با اینکه سوز و سرما و برف سالهای قبل را با خود نداشت و لی دو اتفاق ناخوشایند و از سدت دادن دو عزیز، شادروان بخششی روان آرمین و رامین، باعث شد تا شاهه های خلی از ما بلزد و اشک را از چشممانم جاری کند. لرزشی که بیشتر بدلیل سرمازی تهایی ما بود نه پرواز آنها. اشکی که بیشتر بدلیل افسوس فرصلهای از دست رفته و دلتگی و قدر نشناصی خود ما بوده تابیاز آن عزیزان.

نوروز خجسته. درست ساعت ۹:۰۳ شب روز ۲۹ اسفندماه سال نو آغاز شد. سالی که در ابتدای شروع آن تمامی ما رو به سوی امورامزدای یکتا و بی همتا کردیم و برای خود و عزیزانمان آرزوی سلامتی و خوشبختی داشتیم. سالی که بمانند تمامی سالهای گذشته فقط روزهای اولیه آن احساس با هم بودن داشتیم. سالی که سراغ اقوام و آشنايانی رفتیم که فقط برای ما در این زمان کوتاه آشنا هستند ولی بعد از آن در شلوغی افکار و گرفتاریهای ما غرق می شوند و دیگر نشانی از آنها نداریم. تاسال جدید دیگر، سالی که بازهم تیره گهای در زمانی به بلندای یکسال به سراغ دلهای خلی از ما می آید و ما منتظر می مانیم تا سال جدید دیگری که بازهم آرزوی شادی و سلامتی کنیم.

نوروز خجسته. فصل نو، بهاری دیگر، رویش برگ سبز درختان و زندگی تازه گیاهان همه و همه به دست همان اهورامزدای داشت و لی داشتن روزی خوب، زندگی نو، فکری سبز و رویشی تازه به دست خود ماست. برای پاک کردن کینه ها، برای صاف بودن انسانهای نیازی به نفر و نیایش نیست، فقط کافیست نگاه خود را عوض کنیم. فقط باید فکر خود را سبز کنیم و به رویش هم و در کنار هم بودن بیانیشیم.

نوروز خجسته. چشمانت را بینند. بدون هیچ حاشیه‌ای باید به سراغ تفکری رفت که حتی باستن چشمها و ندین زیباییهای دنیا آرامش را به روح خشم دیده ات بنشاند. باید وقتی چشمها یافت باز شد دیگر رنگ کینه و غم را در مردمک سیاه چشمانت ندید و برق نگاهی نو را از دور و در تاریکیهای زمانه حس کرد. وقتی توانستی خوب ببینی، توانایی درست اندیشه کردن و درست عمل کردن به خودی خود به سراغت می آید. یک نگاه نو، زندگی نو را برای ما به ارمغان خواهد آورد.

نوروز خجسته. وقتی که روزهایت نوشود و امروزت با فردا تفاوتی زمین تا آسمان را داشته باشد در کنار خود، انسانهایی را می بینی که در کنار آنها بودن برای تو معنای تازگی و بهار زندگی را می دهد. دیگر نگران این نیستی که فردا عزیزی را از دست بدھی و تنها بمانی چرا که در کنار خود، عزیزان زیادی را میبینی که حاضری بخارتر وجود آنها خودت را فدا کنی. دیگر اشک به چشمانت رخنه نخواهد کرد چرا که لبانی سراسر خنده خواهی داشت و دلی شاد. دیگر نگران فرصلهای از دست رفته نخواهی بود چرا که هر لحظه ات، زمانی است برای خوشبختی دیگران. تازه آنروز می فهمی که این دو عزیز سفر کرده چه فکر بلندی داشته اند. تازه آنروز می فهمی که وقتی پرواز کردن دلت دیگر برای این دنیای فانی تنگ نخواهد شد.

نوروز خجسته. اکنون این دو کلمه برای توانم مفهومی به اندازه تمامی دنیا خواهد داشت. وقتی که آنرا در حد شعار بر زیان نیاوری. دیگر منتظر تحويل سال دیگر نخواهی بود و همین لحظه به فکر نو کردن امروز و فردایت. بپا خیز که فردا دیر است.



روزنامه اعتماد که به همراه آن جوابیه مهرداد
قدرتان ارسال شده است:

جناب آقای دکتر بهزادی
سردیر روزنامه اعتماد
با درود،

اصحابه دکتر پرویز رجبی که روز دوازدهم آبان ماه در
ضمیمه روزنامه اعتماد منتشر شد، حاوی مطالبی بود که
باعث تعجب آشنايان به تاریخ و خواندنگان اثار این
نویسنده شد که علاوه بر بیان عدم تعادل معمول، در
واقع جفایی بود به تاریخ ایران زمین.

در آن زمان و با هماهنگی جنابالی، پاسخ کامل و
براساس آنچه تحمل شنیدن وجود دارد، از سوی
جناب آقای مهرداد قدردان یکی از اساتید دانشگاه و
پژوهشگر ایران باستان تهیه گردید که در نوبت چاپ
قرار گرفت. اما پیش از چاپ، بار دیگر روزنامه اعتماد
رویه پیشین خود را ادامه داده و این بار در مصاحبه ای
دیگر، فرهنگ، تمدن، دانش و دین ایرانی ترین ایرانی
ها مورد هجوم دکتر پرویز رجبی قرار گرفته است.
حداقل انتظاری که از شما به عنوان یک فرد دانشگاهی
می‌رفت این بود که ابتدا جوابیه مصاحبه اول را چاپ،
در ادامه بار دیگر پای سخنان یک طرفه این فرد
مجھول الحال می‌نشستید.

اینچنانچه ضمن انتقاد شدید از این رویه روزنامه اعتماد و
تاکید بر حق قانونی پیگیری در مراجع ذی صلاح، بدور
از هرگونه برداشت سیاسی، شایسته می‌دانم هر چه
سریعتر جوابیه مصاحبه نخست را منتشر و سپس با
ارسال پاسخ دوم مبادرت به چاپ آن در روزنامه نمائید.
بدیهی است انتشار اینگونه مصاحبه ها باینگونه افزاد
غیر از جریحه دار شدن احساسات تمام ایرانیان ایران
دوستان و مسئولیتی که بر عهده آن سردیر خواهد
گذاشت، سود دیگری در بر ندارد.

در پایان با تاکید بر آنکه افتخار ایرانیان این است که در
درازای تاریخ یکتاپرست بوده و پرچم دار آن بزرگ پیام
آور ایرانی اشوزرتشت اسپیتمان با کتاب غیر قابل انکار
گاتها می‌باشد، امید دارم شاهد روزی باشیم که برای
تمدن نشان دادن امروزمان، ریشه های سترگ و
بی چون و چرای تمدن دیروزمان که چهانیان به آن
افتخار می‌کند و امداد آنند را زیر سوال نهیم.

اما متن کامل پاسخ مهرداد قدردان به
اصحابه دکتر پرویز رجبی را نیز در اینجا
بخوانید، جوابیه ای که برای تک تک
زرنوشتیان به ویژه جوانان حاوی نکات
آموختنده دیگری است:

مهست دادر نیکی افزایی

دکتر پرویز رجبی بار دیگر با بازگویی مجدد برخی
اظهارات پیشین در روزنامه اعتماد این بار به اصطلاح
شمیشور را از رو بسته اند و در اقدامی ناصواب
غیرعلمی و توهین آمیز دین زرنوشت را مورد حمله
قرار داده و اصل اساسی، بن و پایه دین زرنوشت یعنی
گاهان (گاتها) اشوزرتشت را نشانه رفتہ اند که علاوه بر
جریحه دار کردن روح و قلب زرنوشتیان و ایران دوستان
به عملی دست یازدید اند که با روح داشن، بینش و
خردمدی، منافاتی اشکار دارد که در خود دکتر
پرویز رجبی است و نه در شان روزنامه اعتماد که با
چاپ این اظهارات بی مهربی را از حد گذرانده و دل
ایران دوستان و زرنوشتیان را به درد آورده است.

نخست به بررسی برخی اظهارات تاریخی و شبه
تاریخی دکتر رجبی پرداخته و سپس با ارائه مستندات
به نقد گفته های ایشان در مورد گاهان (گاتها)
اشوزرتشت خواهیم پرداخت.

ایشان دیگر بار بیان نموده اند که «بعد از اسلام
ابوریحان بیرونی، بوعلی سینا که جوانه اند را راشته
ایم و در دوران ساسانی و اشکانی این جوانه ها را
سراغ نداریم» پیشتر در جوابیه نخست، مستند عرض
شد که در دوران ساسانی و اشکانی و نیز هخامنشی
ما داشتمند، عالم و فاضل داشته ایم و اگر بر اثر
كتابسوزان و پوش بیگانگان مدارک و مستنداتمان از
بین رفته گناه مردمان آن دوره نیست که اکنون متهم
به بی سودی شوند و با غمض عین بر این همه
شواهد آشکار بر در و دیوار اینه های به جامانده که از



فلاسفه یونان زمینه فکری خود را شاگرد زرنوشت دانشگاه را
گرفته و افلاتون یونانی خود را شاگرد زرنوشت دانشگاه را
است و ...، نمی دانید که اینچنین گفتگوها که
کوشش دارد ایران باستان را به دروغ، بی کتاب، بکم
دانش و بفرهنگ معروفی کند، چه نتایج شومی به
دبی خواهد داشت؟

۲. آیا به نظر شما در پرسی علل به قدرت رسیدن
سلسله ساسانیان و چگونگی حکومت این خاندان، علی
رغم نارسانی های بسیاری که داشت، که توانست
بدون بهره گیری بیگانه و هجوم بی رحمانه از نیروی
در روم و چن مرسوم بود و با تکیه به نیروی مادی و
مینوی مردم ایران، از ابرقدرت های زمان شود و ایران
را به مجد و عظمت دوم دکتر پرویز رجبی در ضمیمه
نهاده است، ارسال می گردد. شایسته است هرچه
رسیعتر نسبت به چاپ آن اقدام شود تا دست کم از
صورت گرفت که حداقل دارای بیست علت علمی و
کارشناسی ریشه ای می باشد که جای بحث آن در این
آرزوگی و دستکاری تاریخ چیز دیگری نخواهد بود.

و اما پیرو نامه شماره ۳۴/۹۴۱ مورخ ۱۳۸۸/۱۰/۲۳
جوایه مصاحبه دوم دکتر پرویز رجبی که توسط آقای
مهرداد قدردان از پژوهشگران ایران باستان نوشته
شده است، ارسال می گردد. شایسته است هرچه
رسیعتر نسبت به چاپ آن اقدام شود تا دست کم از
حس یک سونگری آن نشریه که در جامعه خوشنام و
آرزوگی و دستکاری تاریخ چیز دیگری نخواهد بود.

متن کامل نامه انجمن موبدان تهران به
روزنامه اعتماد:

هم میهن ارجمند جناب آقای بهروز بهزادی، سردیر
محترم روزنامه اعتماد

با درود و عرض احترام

اگاهی یافته ام که چند گاهی است که با پژوهشگری
به نام جناب آقای پژوهشگر جناب آقای ایرانی
و تحقیر هم میهنان زرنوشت تان که کهن ترین ایرانیان
و از خدمتگزاران راستین این کشور اهورایی بوده و
هستند، چه دردی را از دردهای شما و دیگر ایرانیان با
فرهنگ درمان می کنند که جنابالی و پژوهشگر گرامی
جناب آقای اصرار به درآییم و عرببزد شویم. و
ازاردهنده دارید. آیا فکر نمی کنید چنانچه همانند
فردوسو و حافظها، ایرانیان را کمتر از هویت خود دور
کنید و بیشتر به هویت ایرانی، باز گردانید. خدمت

بیشتری به مردم این آب و خاک انجام داده اید؟

۴. فکر نمی کنید که همه می علل این انقلاب با شکوه
اسلامی ملت ایران این بود که ما ایرانیان از غرب
زدگی نجات یابیم و به ایرانیت خویش باز گردیم، نه
اینکه از غرب زدگی به درآییم و عرببزد شویم. و
تصور نمی کنید که همه می ملل دارای هویت باوری و
فرهنگی ویژه خود هستند و بایستی از احترام ویژه
برخوردار باشند و جامعه ای زرنوشت اسپیتمان که موجب فخر
ایران و ایرانی است، را به پالش می کشند و چون یک
سویه به قاضی می روند، راضی هم باز می گردند.

ضمن احترام به این پژوهشگر گرامی و دیدگاه های
همه می باورمندان و اندیشمندان نیکاندیش و نیک
گفخار سراسر گستی، پرسش اندیشه برانگیز انجمن
موبدان تهران که تنها ارگان عرفی، قانونی و رسمی
اداره کننده امور مینوی (بنی و فرنگی) جامعه ای
زرنوشت اسپیتمان که می باشد، از شما سردیر گرامی و
ارجمند روزنامه ای را از پی گیری این موضوع دنبال
براسی چه اهدافی را از پی گیری این موضوع دنبال
می فرمایید؟

۱. آیا جنابالی در حالی که می دانید که زرنوشتیان از
نخستین یکتاپرستان و کهن ترین ایران خدای و
دیرینه ترین فرهنگ پریاردرگیتی برخوردار بوده و به
قول فردوسی از همان دوران ابتدای تاریخ تشکیل این
دین اهورایی، یعنی همان دوره گشتابش شاه کیانی،
دارای کتاب و کتابخانه بوده اند، به گونه ای که به دستور
ارجاسپ پادشاه تورانی هنگام هجوم به ایران، بسیاری
از آنها را سوزانیده و یا به آب ریخته شده است. و به
گواهی تاریخ نویسان یونانی هنگام هجوم اسکندر

مقدونی گجستک به ایران حداقل دو بسیار بزرگ
و بی همانند اوستای ۲۱ جلدی، که هر کدام نوشته شده بر
دوازده هزار پوست گاو بوده و هر «تسک» از داشت
بزرگی برخوردار بوده و یکی در کتابخانه ای تخت جمشید
و دیگری در کتابخانه شاپیگان آذربایجان نگاهداری
می شده است، که کتابخانه ای تخت جمشید را سوزانیده
و اوستای شاپیگان را به یونان بردند و بسیاری از

همراهی زرنوشتیان در پاسخ به سخنان ناروای دکتر پرویز رجبی

ادیان و قومیت های
ایرانی شود، بی گمان
حاصل آن، یکپارچگی
و هماهنگی بیشتر ملت
بزرگ ایران است.

روشن است، بحث هایی
از این دست جایگاهی ویژه ای چون دانشگاه را
می طبلد که در محیط علمی با استدلال کافی و با
حضور اهالی فن و پژوهشگران قابل قبول، طرح
موضوع گردد که در اینصورت جامعه زرنوشتی و به
ویژه بزرگان دینی و علمی آن آمادگی کامل برای دفاع
از دین و تاریخ تعلیم از ایران اهورایی را داشته و در
درازای تاریخ نیز اینگونه بوده است که در برخی موارد
یک ته از کیان این مزرو بوم در مقابل مجتاوزان و
تحريف گران ایستاده اند و آزاده جان داده اند، نه در
همگان از جمله آشنايان به تاریخ و خواندنگان
کتابهایش را برانگیخت. مصاحبه ای که در واقع تاختن
به گذشته ایران بود و تلاش می کرد تا ایرانی ها را بی
اصل و نسب نشان دهد.

خوبشخانه در آن زمان مهرداد قدردان، پژوهشگر
ایران باستان، پاسخی در خود تهیه نمود و با
همه اینگاهی های دکتر اسفندیار اختیاری برای روزنامه
اعتماد ارسال شد. اما اعتماد به جای انتشار آن پاسخ،
اصحابه ای دیگری با دکتر پرویز رجبی انجام داد
مصاحبه ای که این بار در آن دین زرنوشتی مود حمله
قرار گرفت و دکتر رجبی با تکرار ادعاهای پیشین،
سعی نمود تا اصالت گاتها را زیر سوال برد و آن را
منسوب به زرنوشت دانست. انتشار این مصاحبه باعث
اعتراض شدید نماینده ایرانیان زرنوشتی به رویه روزنامه
اعتماد شد، دکتر اسفندیار اختیاری در نامه ای به
سردیر روزنامه اعتماد پرسید، چرا حداقل پاسخ همچو
شده به مصاحبه نخست رامنشتیور نکرده اید و بعد برای
انتشار مصاحبه ای دیگری اقدام نکرد اید. در ادامه
انجمن موبدان تهران نیز در نامه ای دیگری پرسید
توهین به زرنوشتیان چه دردی از دردهای شما را دوا
می کند؟ این دو نامه و اعتراض ایران دوستان و
زرنوشتیان بالآخره باعث شد تا روزنامه اعتماد
بنشانیه ای از پاسخ مهرداد قدردان را بعد از حدود دو
ماه منتشر نمایم، پاسخی که متن کامل آن را
می توانید در تارنمای پرساد بخوانید.

سپس آقای قدردان، جوابیه ای را برای مصاحبه ای
دوم دکتر پرویز رجبی آماده نمود، مصاحبه ای که در
همه باز از نامه نماینده ایرانیان زرنوشتی به دفتر روزنامه
اعتماد ارسال شد. دکتر اختیاری در نامه دوم از آمادگی
کامل بزرگان دین زرنوشتی برای دفاع از دین و
فرهنگ زرنوشتی سخن گفت و خواستار آن شد تا
اینکه مباحثت در دانشگاه ها و با استدلاطه ای علمی
از جامع پذیرد.

در ادامه مطلب متن نامه های نماینده ایرانیان
زرنوشتی، انجمن موبدان تهران و جوابیه آقای مهرداد
قدرتان به مصاحبه دوم پرویز رجبی را بخوانید، با این
توضیح که پاسخ نامه برای نخستین بار این جوابیه را
منتشر می کند:

نامه دکتر اسفندیار اختیاری به روزنامه
اعتماد بعد از انتشار مصاحبه دوم دکتر
پرویز رجبی:

جناب آقای دکتر بهزادی
سردیر محترم روزنامه اعتماد
با درود
اصحابه دوم دکتر پرویز رجبی با روزنامه اعتماد که در
روز ۲۰ دی ماه منتشر شد، نه تنها باعث رنجاندن
ایران دوستان شد بلکه در واقع توهینی بود به ایرانیان
زرنوشتی.

اینجانب بار دیگر تأسف شدید را خود را اعلام می دارم و
امیدوارم دست اندکاران آن روزنامه رویه ای را در
پیش بگیرند که سبب فزوی همیلی و دوستی در بین

کتابهای تاریخ خودتان هم همسو و هم راستی همین یک ادعای شما نیست، برای نمونه استاد فقید پیر نیا، دکتر زین کوب دکتر صدیقی، دکتر خدادادیان در کتابهای تاریخی خود با شما هم عقیده نیستند تاریخ طبری این زمان ۲۰ ساله شما را تایید نمی کند. گرشاسب چوکسی در کتاب ستیز و سازش بیاناتش از آسمان تا زمین با این ادعای شما تفاوت دارد. بر تولد اشپولر آلمانی که کتاب تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی اش مشهور خاص و عام است این اظهار جدید شما را رد می کند این متخصص تاریخ در کتابش صفحه ۴۳ (جلد اول تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی ترجمه جواد فلاح‌طوري) قسمت «ظرفی به منابع» تازه درباره تاریخ نگاری مسلمانان در اوایل دوره اسلامی که بسیار با انصاف تراز جنگی با تاریخ برخورد کرده و صداقت و امانتداری نشان داده اند نوشت: «طبعاً سرتاسر گروه انبیاء این داشمندان، مورخان، جغرافی نویسان، حقوقدانان، ادبی، با تمام اطلاعات مهم تاریخی یک جانبه می باشند جمیع کتب مذکور (حتی تعداد محدود فارسی آنها مثل گردیزی و بیهقی) از طرف مسلمانان نوشته شده و تماماً مدافع نظر آن گروهی هستند که در حوادث سنوات ۶۵۱-۶۳۳ میلادی (برابر ۱۲-۳۰ هجری) فاتح گردیده است، چه عرب چه ایرانی، چه عرب نویس، چه فارسی نویس (و چه مترجم مثل بلعمی متوجه طبری سال ۶۴۳ میلادی برابر ۳۵۲ هجری) به عقیده همه، تسبیح ایران به دست عرب و پیروزی دین اسلام عمل رحمت و تقدیر الهی می باشد و در نتیجه مقاموت آن موقع و نیز مخالفت بعدی در مقابل آن بی معنی و حتی از نظری گناه به حساب می آمده است بدون اینکه با این اظهار نظر طعنی به عقیده مقتبس اسلام منظور باشد باید گفت که یک مورخ نمی تواند به چنین شیوه ای رضایت دهد وی باید در جستجوی کتابهای مدافعان آرای طرف مخالف هم باشد مثلاً کتابهای دیگر بیان شده و زرتشتی اما چنین کتبی وجود نداشته و یک وزنه ای واقعی در برابر نظر اسلامی پیدا نمی شود این امر خود واقعیتی است که در مورد اطلاعات ما از ایران در ادوار آغاز اسلام به طور مطلق قاطعیت دارد. فقط کسی که به این مطلب آگاه است این نکته را می داند که تحریر وضع این دوره به ناچار تاچه اناهاره بر عقیده یک جانبه اتکامی کنند بدینه است که ناظر این جریان، در عین حال به طرز رفتار، محركات، آرا و میزان حق و ناحق دسته مخالف هم می اندیشد و او می تواند و باید آنچه با این عوامل امکان بستگی دارد وارد سازد. ولی باز همه اش از بونه احتمال تجاوز نمی باشد بنا بر این شناخت عینی این عوامل موجود نمی باشد و مدرکی برای عربستان نگوییم بی تمدن اند بسیاری از مسائل فرهنگی و تمدنی جهان را زین النهرين و از شام داریم در حق ملل دیگر ظلم نکنیم! «آخر ای استاد گرانمایه عربستان را به بین النهرين و شام چکار؟ بین النهرين چکارش به عربستان به قول شما خشک؟ بین النهرين در دوران اشکانی و ساسانی مرکزیت سیاسی داشت و در ایرانشهر بود. مگر تیسفون پایتخت اشکانیان و ساسانیان در این منطقه قرار نداشت؟ شام را به عربستان چکار؟ شام که جزء روم شرقی بوده و هم آثار ایرانی و هم رومی دارد و تمدنش نیز آشکار و ثبت شده است آن را برای چه منظوری وارد قیاس کرده اید. شما در حق ملت و تاریخ خود ظلم می کنید و داعیه دارید که نباید در حق ملل دیگر ظلم کنیم، ظلم تحت هر عنوان و به هر کس پذیرفتی نیست. این تناقضات را جوان ایرانی بخواهند و بر نیاورد؟ شمامی فرمایید اروپایان تقرن ۱۶ میلادی روی کاه می خوابیدند و اسکندر پا بر همه بود و تخت و میز نزدیه بود و طرز استفاده آنها را نمی دانست و تحفه به یونان برد، خب حال با این وضعیت، شما که تخت جمشید و آثار محیر العقول اینرا دیده اید چرا بر آن چشم می پوشید؟ و این سازه بزرگ که مایه فخر بشری است را بحسب نمی آورید، بنایی که سده ها قبل از میلاد تاکنون نشانه تمدن و فرهنگ و بیش و کشن ایرانی و تخت نزدیگی اسکندر که خود مقرب بدان هستید، اصلاح نمی بینید. حال، جوان ایرانی چه کند؟ انتظار دارید او نیز بر، داشته های نیک خود چشم بپوشد و به غرب روی آورد و بیگانه پرستی پیشه کند؟ در قسمتی از گفتگویان می فرمایید «ایرانیان طرف ۲۰ سال همگی مسلمان شدند بدون اینکه مترجم داشته باشند» از یک مورخ که خود کتاب هزاره های گمشده اش را شناسار از نصیحت و تاکید بر راستی و درستی مورخ و نصایح دلسویزه برای اوست، بعید است که دیگر آسمان به تاریخ را تقض کرده و بر آن بی مهری روا دارد آخر مورخان دیگری هم هستند و کتاب نوشته اند حتی عباسیان شهر اسلامی شد و در هرات هنوز در قرن

راه گشایند. در بعد دینی و فرهنگی کریستین سن، بارتولمه، گلنر، رایخلت، چکسن، کنت، بویس، مکنزی، هوفر، و... کتابهایشان عمدها در سطح جهان کم نظری و تاثیرگذار غیر قابل انکار است. در بعد تاریخی و باستان‌شناسی آثار هرتسفلد، گیرشمن، ریچارد فای، اوستد، دیاکونف، کلمان هوار، کرفت، تیلیه، هینتس و... چشم پوشیدنی نیستند. آیا اینها که همگی عمری را در راه شناخت فرهنگ و هنر ایرانی مصروف داشته اند دست مایه کاریشان گستره ای تهی از علم و فرهنگ بوده و بر دامنه چهل پیشینیان مأثار ارزشمند و جهان باور پیدی اورده اند؟ شگفت است جهان، فرهنگ و هنر و خودروزی ما را چگونه گذاشته و چند قرن از آن می گذرد و چندین اثر مقدسات زرتشیان حمله برید و لابد انتظار هم داشته باشید که مطلق نگر شناخته نشود و کسی هم ازین همه دست اندازی به فخر و مهابات ملی ناراحت نشود. خیر، اینطور نیست جوان ایرانی حق دارد که از این کردارها برانگیخته شود آخر یک استاد دانشگاه که هزاران صفحه تاریخ ایران را نوشته و مقاولات فرهنگی تاریخی را آنطور که خود می خواهید تقسیم کنید. آنچه که دلخواه‌های این است را از تاریخ مصاله مطلوب کنید ویرخ حقایق را وارونه تاول نمایید و بر پیشینه نیک را اصل مسلم تاریخی قلمداد کنید و بر پیشینه نیک تاریخی و افتخارات ملی خود چشم پیوژید و به مقدسات زرتشیان حمله برید و لابد انتظار هم داشته باشید که مطلق نگر شناخته نشود و کسی هم ازین قرن بیست و یکم در پی اینی که با دست خود برای مردمانمان و جهان، شگفتی ساز شویم و بر اباتی بی این دناریم، کتابهایی که این مسکویه از آنها بسیاری مطالب فلسفی و اجتماعی و اخلاقی را نقل کرده را پیش رو نداریم، کتابهایی که این قبیله در عيون اخبار و دیگر آثار خود به فراوانی از آنها بهره برده است را به یادگار نداریم، کتابهایی که مفصل و مصور خود را با اختصار به خسروان‌شیروان منتسب دارد؟ آیا از نزدیکتر به دوران ساسانی بود یا من و دکتر رجی؟ چرا فضل بن سهل این این ایرانی اصیل، وزیر خدمت مامون تا پای جان کوشید که به نوعی حکومت را به ایرانیان بازگرداند و بالاخره جان بر سر این کار نهاد؟ آیا سیاستمداران با گفایت شاغل در حکومتهای اموی و عباسی این داشت و گفایت و خبرگی را خلق الساعه بدست اورده بودند؛ پایه و اساسی پیشین نداشت؟ چرا اساس کارشان، روال و رویه ساسانی بود و همیشه گوشش چشمی به گذشته داشتند تا بتوانند حال را پاییده و برای آینده طرح ریزی کنند؛ اگر مبنای کار چهل و بیانی بوده باشد چرا همین زرتشیان اولیل دوره اسلامی اینهمه فاضل و داشمند داشتند؟ ایا نویسنده دینکرد این دایره‌المعارف عظیم، از علم و دانش بی بهره بوده است؟ آذربایخان (نویسنده دینکرد) در دریار مامون با داشمندان و فلاسفه آن روزگار بارها به بحث نشست و توان علمی بالای او قدرت دفاع از دین و فلسفه ایرانی را به او بخشید. دید عیقق فلسفی ابیاعث شده که هنوز مادر در کر بخی مباحث فلسفی قید شده در دینکرد دچار مشکل شویم یا کتاب بندesh و مولف توانمندش فرنیخ دادگی قابل انکارند؟ مردان فخر پسر اورمزد داد از آگاهی و دانش بی بهره بوده است که قدرت استدلال و منطق جدلی و بیش کم نظری او در کتاب شکنند گمانیک وزار، نمودی عینی و روشن یافته است؟ پیدی اورندگان کتابهایی چون مینوی خرد، جاویدان خرد، گزیده زادپریز، دادستان دینی، پس داشن نامک، و جردکرد، زند بیهمن یسن، چندین کارنامه و روایت، همگی بعد از اسلام و عمدها در دوران عیاسی زیسته اند... اسناد و مدارک آشکاری مبنی بر دانش و خرد و خدمتی پیشینیان و بزرگان باستانی ما وجود دارد که با نام ذکر شده اند آیا باز هم باید چشمها را بست و جور دیگر دید؟ و گذشته را یکسره باطل و مردمانش را همگی غوطه‌ور در چهل و بی دانش دانست؟ آخر اظهیر من الشمس است که نمی توان با بی دانش و بی فرهنگی بر گسترهای پهناور از دفع مسكون فراماروی ای کرد. با بی خردی و بی برانگی و بدون بهره‌برداری درست از دانش و بیش داشمندان و فضلاً نمی توانستند در جهان باستان پیشتوان باشند. در پیشگاه خرد پذیرفتی نیست که پادشاهی ساسانی با آن قدرت پیشانگی و پیشتری و پیکره سلسه می دخانمیشی با آن وسعت دید و پنهنه کشورداری از وجود خردمندان و اندیشمندان تهی بوده باشد. آیا سنگ نوشته و سنگ نگاره‌های آنان پس از سده‌ها هیچ بار علمی را بازتاب نمی دهند؟ آیا توان علمی دوره هخامنشی با تکیه بر داشته‌های کنونی مان قابل ریسمان بافت را بر نمی تابد مطالب را مستدل و با بینه قبول می کند و بی گمان این حق اوست. مطلق نگری

بیشتر بهره‌مند خواهد بود و اما از لحاظ مفاهیم گاها نی با مطالعه آن به نکاتی نظر و اندیشه‌نی دست می‌یابیم یکی از آنها طرح قانون ا Ashe (اش) است که هنجار هستی ودادهورایی نامیده شده و بر این نکته تأکید دارد که آنچه همورامزا آفریده، نیک و درست و بربایه قانون و هنجاری است که آش (استی و یاکی) نام دارد و آفرینش و حرکت و حیات بر این پایه شکل گرفته و ادامه دارد.

نکته در خواراندیشه، دیگر در گاهان، حل مشکل غامض فکری بشر در مورد سرشمه بدی است که اشوزرتشت آن را ویسته به نیروی «من» یا اندیشه می‌داند و آن را انگره (من) (اهریمن) یا اندیشه ویرانگ می‌نامد به خردمندانه ترین و زیباترین وجهی و مطابق واقیع، منشای بدمی را معرفی می‌کند و این معرفی در حالی صورت می‌پذیرد که همورامزا، یکتا خالق هستی آنگیزه ای این گفته ناسواب و درآور را بر زبان جاری ساختش بری از مرگونه چالش و تواناترین و مهریان ترین، شناسانده می‌شود و بدمی وابسته به اندیشه تلقی نیروی شر در کسوت منشی بروز می‌یابد و یکتا خداوند هستی دامنش از خلقت بدی و چالش بالا و پاک و برکتار می‌ماند که با تکرر در این زمینه به بلندی نگرش و بینش اشوزرتشت و همورایی بودن اندیشه اش بی می‌بریم.

طرح ویژگیها و خصوصیات خداوندی که اشوزرتشت در گاهان (گاهها) گفته منظوم و مبنوی اشوزرتشت پیامبر آریایی است و چنانکه از متن آن برمی‌اید گفتاری نظر و دلکش و اندیشه برانگیز است که حاصل ذهنی اندیشمند پاک و راه به مینو یافته است که با گذشت سدهها از پیدایش هنوز تازگی ویژه‌ای دارد و خواندنش موجب جلال اندیشه و منش، صیقل روح و صفاتی دل است.

در آن نکاتی بدیع و متعالی مطرح شده که از هنوز تا آینده عمل بدن برای بشر پیشرفت، آسایش و خوشبختی را به ارمنان می‌آورد. نکاتی که حاصل خردورزی اهورایی است و آرامش به سرمنزل مقصود رسیدن بشر و حکم فرامایی آسایش و آرامش بر پنهان گیتی است و نمی تواند پایداریش، تازگیش، نجات بخشی اش، الگو بودنش، زیبایی اش و اندیشه‌ساز بودنش، راه به مینو و عالم قسمی ناشه باشد.

برخی ویژگی‌های گاهان (گاهها) را بر می‌شماریم تا موضوع روشن تر شود.

وفادر است گاتها که کتاب مقدس زرتشتی هاست و منسوب به زرتشت است، اصلتش مورد تردید است. آنان که اندک آشنایی با تاریخ دارند نیز می‌دانند و یا خوانده اند که اردشیر بابکان سر سلسله ساسانیان خود موبید و موبید زاده بود و پادشاهی ساسانی با شاه - موبید یا شاهیرا - دینیار آغاز شده است.

نکته اصلی در این گفته منسوب بودن گاتها (گاهان) به اشوزرتشت و نیز تردید در اصالتش است که بیان آن توسط کسی که پیش از این کتابهای جشن های ایرانی را نوشته و یا در کتابهای هزاره های گمشده از گاهان و اشوزرتشت با احترام و بزرگداشت یاد می‌کند بهم برانگیز است، استاد که به این نکته بدبیع رسیده اند چرا بدن ذکر دلیل و برهان و بصورتی بسیار گذرا از کنار موضوع می‌گذرند و تهاب تیری را به تاریکی پرتاپ می‌دانند که معلوم نیست برای چه هدفی و بربایه چه انجیزه ای این گفته ناسواب و درآور را بر زبان جاری می‌سازند؟

گاهان (گاهها) گفته منظوم و مبنوی اشوزرتشت پیامبر آریایی است و چنانکه از متن آن برمی‌اید گفتاری نظر و دلکش و اندیشه برانگیز است که حاصل ذهنی اندیشمند پاک و راه به مینو یافته است که با گذشت سدهها از پیدایش هنوز تازگی ویژه‌ای دارد و خواندنش موجب جلال اندیشه و منش، صیقل روح و صفاتی دل است.

در آن نکاتی بدیع و متعالی مطرح شده که از هنوز تا آینده عمل بدن برای بشر پیشرفت، آسایش و خوشبختی را به ارمنان می‌آورد. نکاتی که حاصل خردورزی اهورایی است و آرامش به سرمنزل مقصود رسیدن بشر و حکم فرامایی آسایش و آرامش بر پنهان گیتی است و نمی تواند پایداریش، تازگیش، نجات بخشی اش، الگو بودنش، زیبایی اش و اندیشه‌ساز بودنش، راه به مینو و عالم قسمی ناشه باشد.

برخی ویژگی‌های گاهان (گاهها) را بر می‌شماریم تا موضوع روشن تر شود.

شیوه‌ای بیان در گاهان در خود توجه و نگرشی عمیق است: «پاداش گرانهای مزدا از آن کسی است که در کالبد جسمانی و چهان مادی با منش پاک به کار و کوشش پردازد و در آبدانی و پیشرفت جهان بکوشد و به این وسیله خواست پروردگار را برآورده سازد» (یسنای ۳۴ بند ۱۴).

«کسی که در پی آزار و تباہی دیگران است دشمن نیکی و فرزند دروغ و گمراهی به شمار است چینین کسی دارای اندیشه ای نارسا و فهمی ناتوان و منش زشت است همه باید بکوشیم تا راستی و درستی را در میان مردم رواج دهیم و اندیشه و خرد آن را کامل سازیم» (یسنای ۵۱ بند ۱۰).

«به راستی دوست زرتشت کسی است که طرفدار راستی و پیرو خرد خدادادی باشد کسی که خواهان پارسایی و نیک اندیشه است، چنین کسی شایسته انجمن برادری مغافن خواهد بود» (یسنای ۵۱ بند ۱۱). «ای مردان و زنان راه راست را دریابید و با منش پاک آنرا پیروی کنید و هیچ گاه کرد دروغ و خوشی های زود گذر زندگی که تباکنده خوشبختی شمارد آینده است مگر دید زیرالذتی که با بدینامی و گناه همراه باشد چون زهر کشندگی ای است که به شیرینی در آمیخته و همانند خورش دوزخی است با این روش، زندگانی گیتی و مینیو خود را تباکنده می‌کند.

ترجمه این بند این بندها به زبان فارسی است و نه به بیان شیوا

و آنگین اوتایی که هر کس اندک آشنایی با زبان

اوستایی داشته باشد از لذت خواندن و درک مفاهیم آن

بیخشش خردمندانه و اندیشه‌نی است و ناب تر و

مژده به همکیشان کرمانی و غیر کرمانی که به این شهر سفر می‌کنند.

آزادانس مسافرقی بشارت کرمان

□ فروش و صدور مستقیم بلیط قطار، هواپیما و اتوبوس

□ برگزار کننده تورهای داخلی و خارجی کیش، دبی، ترکیه، مالزی و...

□ برگزار کننده تورهای کوهنوردی و طبیعت گردی

□ آماده ارائه خدمات به شما خواهد بود.

آدرس: کرمان، بلوار شهداد باهنر (ناصریه) خیابان شهید ایرانمنش، جنب صندوق قرض الحسنه مشیز
سایت: www.besharat_tour.com

برابری و برادری می‌دانید؟» ایشان در پاسخ دچار تناقض می‌شوند، مصاحبه گر ادامه می‌دهد «خود شما در کتاب ترازوی هزار کفه می‌نویسد شعارهای برابری و برادری دردی از مردم دوانکرد و فقط پایه‌های خلافت دو خاندان سلطنتی بنی‌امیه و بنی عباس را استوار کرد که از فرعونه چیزی کم نداشتند» باز هم پاسخ گفته کننده‌ای توسعه ایشان ارائه نمی‌شود و مصاحبه گر در آخر به این نکته می‌رسد که «یعنی شعار اثلهار می‌داند که از این گفته منسوب بودن گاتها (گاهان) به اشوزرتشت و نیز تردید در اصالتش است که بیان آن توسط کتابهای جنگی هستی هزاره های ایرانی را نوشته و یا در کتابهای هزاره های ایرانی را باید تناقض گویی و اولین همکار از ملک ازد در قرن پنجم هجری قمری در جواب ایشان داد» پرسش اینجاست داشت که بعد از خودش را نشان داد که باز هم پاسخ اینکون تکلیف چیست؟ خود آنچه را می‌گویند مصاحبه به پایان نرسیده نفس می‌کنند تکلیف خوانده و جوان زیادی در کنار برابری و خواهان مسلمان خود به زندگی می‌پرداختند نیز به استاد تاریخ در قرن پنجم هجری قمری در زمان آل بویه هنوز حاکم کازرون از شهرهای فارس زرتشتی بوده و خورشید نام داشته است و قاطیبه مردم کازرون نیز زرتشتی بوده اند.

ابن بطوطه (۷۲۶-۷۲۷ هجری) چهانگرد عرب که دوبار در سالهای ۷۲۵ و ۷۲۸ هجری قمری (قرن هشتم هجری) به فارس سفر کرده است گزارشی که از بیشاپور کازرون می‌دهد مطابق حالت کتوئی این شهر است و در توصیف مسجد بیشاپور آنچه را که اکنون می‌بینیم او نیز بیان نموده و مشاهده می‌شود که هم اکنون نیز این مسجد در مقابل اینهای زرتشتی شهر، بسیار کوچکتر است و این نشان می‌دهد که این مردم شهر تا آن زمان و تا هنگام آبادانی این شهر زرتشتی بوده اند.

اشپول مورخ ایران شناس (در صفحه ۳۵۱ جلد اول) نوشت: «باعث رو به حاموشی رفتن شمع فروزان دین زرتشت بیشتر فشار دولتها ترک نزد ملی غزنویان و ساجوجیان بوده و نه نیروی معنوی و قانع کننده اسلام». در تاریخ ثبت است که اهالی شمال ایران تا سالیان درازی به دین زرتشتی بایندند و از نظر سیاسی تا چند قرن استقلال خود را حفظ کرند و دولتها کوچک این سرزمین تحت تأثیر عقاید باستانی، سراسر رنگ و صغیر زرتشتی داشتند که آثار آن در طرز عمل و نیز در اسامی فرنمازیان اولین اکمال آشکار است و اگر هم زمانی پیش می‌آمد که حکمرانان و رجال آنچه به موجب اوضاع و احوال سیاسی مجبور به قبول اسلام می‌گشتدند اسلام اوردن خود را فقط یاد نهادند که چگونه را زرتشتی ایرانیان آموختند هنوز نام علمی آن می‌گذاشتند و همچنان که اینهای از جان زبانی یونجه را پرندگان ایرانی می‌نامند که نمونه هایی از این خروس را پرندگان ایرانی می‌نامند که نمونه هایی از این دست فراوان است. ایشان خود در کتاب ایرانشناسی فرازها و فرودها متذکر می‌شوند که افلاطون تحت تأثیر دیدند و اسکندر یک تخت را از ایران برای دوستش به مقدونیه فرستاد و دو نفر ایرانی را همراه کرد که بگویند چگونه را زرتشتی ایرانیان آموختند هنوز نام علمی آن می‌گذارند و این است یعنی از مادر گرفته شده باشد زبان زبانی یونجه را زرتشتی ایرانیان از ایرانیان آموختند هنوز نام علمی آن می‌گذارند و این است یعنی از مادر گرفته شده باشد زبان زبانی یونجه را زرتشتی ایرانی می‌گذارند.

منطقی که در این خصوص دکتر رجیبی بیان می‌دارند با نظر مورخان و متخصصان ایران شناس همچوینی ندارد و برخی سبب اصلی رکود دین زرتشتی در مقابل دین تا زده راین نکته می‌دانند که چون دین زرتشت به عنوان اندیشه ایرانی و اندیشه اشوزرتشت بوده است و نیز در گذشتندگان پسرانه از پشتیبانی دولت را بیاموزد و پا برجا بماند و این در حالی است که کلیسا می‌سیحی در شرق که از دیدار باز پروردگار را در پل اسلام اوردن خود را از اینهای را مجبور به قبول اسلام می‌گشتند و همچنان که چند بار از گذشتندگان اینهای را می‌گشندند اینهای را می‌گذارند.

منطقی که در این خصوص دکتر رجیبی بیان می‌دارند با نظر مورخان و متخصصان ایران شناس همچوینی ندارد و برخی سبب اصلی رکود دین زرتشتی در مقابل دین تا زده راین نکته می‌دانند که چون دین زرتشت به عنوان اندیشه ایرانی و اندیشه اشوزرتشت بوده است و نیز در گذشتندگان اینهای را می‌گذارند. این رسمی، پیوسته از حمایت اساسی سازمان حکومت و یا نیازی از پشتیبانی دولت را بروز می‌کند و موقتی دانسته و هیچ اندیشه ای از این نداشتند که پس از تغییر اوضاع و به مخصوص امکان، بزودی به ایمان پدران خود بازگردند (اشپول جلد اول صفحه ۳۵۴).

منطقی که در این خصوص دکتر رجیبی بیان می‌دارند با نظر مورخان و متخصصان ایران شناس همچوینی ندارد و برخی سبب اصلی رکود دین زرتشتی در مقابل دین تا زده راین نکته می‌دانند که چون دین زرتشت به عنوان اندیشه ایرانی و اندیشه اشوزرتشت بوده است و نیز در گذشتندگان اینهای را می‌گذارند.

منطقی که در این خصوص دکتر رجیبی بیان می‌دارند با نظر مورخان و متخصصان ایران شناس همچوینی ندارد و برخی سبب اصلی رکود دین زرتشتی در مقابل دین تا زده راین نکته می‌دانند که چون دین زرتشت به عنوان اندیشه ایرانی و اندیشه اشوزرتشت بوده است و نیز در گذشتندگان اینهای را می‌گذارند.

منطقی که در این خصوص دکتر رجیبی بیان می‌دارند با نظر مورخان و متخصصان ایران شناس همچوینی ندارد و برخی سبب اصلی رکود دین زرتشتی در مقابل دین تا زده راین نکته می‌دانند که چون دین زرتشت به عنوان اندیشه ایرانی و اندیشه اشوزرتشت بوده است و نیز در گذشتندگان اینهای را می‌گذارند.

منطقی که در این خصوص دکتر رجیبی بیان می‌دارند با نظر مورخان و متخصصان ایران شناس همچوینی ندارد و برخی سبب اصلی رکود دین زرتشتی در مقابل دین تا زده راین نکته می‌دانند که چون دین زرتشت به عنوان اندیشه ایرانی و اندیشه اشوزرتشت بوده است و نیز در گذشتندگان اینهای را می‌گذارند.

منطقی که در این خصوص دکتر رجیبی بیان می‌دارند با نظر مورخان و متخصصان ایران شناس همچوینی ندارد و برخی سبب اصلی رکود دین زرتشتی در مقابل دین تا زده راین نکته می‌دانند که چون دین زرتشت به عنوان اندیشه ایرانی و اندیشه اشوزرتشت بوده است و نیز در گذشتندگان اینهای را می‌گذارند.

منطقی که در این خصوص دکتر رجیبی بیان می‌دارند با نظر مورخان و متخصصان ایران شناس همچوینی ندارد و برخی سبب اصلی رکود دین زرتشتی در مقابل دین تا زده راین نکته می‌دانند که چون دین زرتشت به عنوان اندیشه ایرانی و اندیشه اشوزرتشت بوده است و نیز در گذشتندگان اینهای را می‌گذارند.

منطقی که در این خصوص دکتر رجیبی بیان می‌دارند با نظر مورخان و متخصصان ایران شناس همچوینی ندارد و برخی سبب اصلی رکود دین زرتشتی در مقابل دین تا زده راین نکته می‌دانند که چون دین زرتشت به عنوان اندیشه ایرانی و اندیشه اشوزرتشت بوده است و نیز در گذشتندگان اینهای را می‌گذارند.

منطقی که در این خصوص دکتر رجیبی بیان می‌دارند با نظر مورخان و متخصصان ایران شناس همچوینی ندارد و برخی سبب اصلی رکود دین زرتشتی در مقابل دین تا زده راین نکته می‌دانند که چون دین زرتشت به عنوان اندیشه ایرانی و اندیشه اشوزرتشت بوده است و نیز در گذشتندگان اینهای را می‌گذارند.

منطقی که در این خصوص دکتر رجیبی بیان می‌دارند با نظر مورخان و متخصصان ایران شناس همچوینی ندارد و برخی سبب اصلی رکود دین زرتشتی در مقابل دین تا زده راین نکته می‌دانند که چون دین زرتشت به عنوان اندیشه ایرانی و اندیشه اشوزرتشت بوده است و نیز در گذشتندگان اینهای را می‌گذارند.

منطقی که در این خصوص دکتر رجیبی بیان می‌دارند با نظر مورخان و متخصصان ایران شناس همچوینی ندارد و برخی سبب اصلی رکود دین زرتشتی در مقابل دین تا زده راین نکته می‌دانند که چون دین زرتشت به عنوان اندیشه ایرانی و اندیشه اشوزرتشت بوده است و نیز در گذشتندگان اینهای را می‌گذارند.

منطقی که در این خصوص دکتر رجیبی بیان می‌دارند با نظر مورخان و متخصصان ایران شناس همچوینی ندارد و برخی سبب اصلی رکود دین زرتشتی در مقابل دین تا زده راین نکته می‌دانند که چون دین زرتشت به عنوان اندیشه ایرانی و اندیشه اشوزرتشت بوده است و نیز در گذشتندگان اینهای را می‌گذارند.

منطقی که در این خصوص دکتر رجیبی بیان می‌دارند با نظر مورخان و متخصصان ایران شناس همچوینی ندارد و برخی سبب اصلی رکود دین زرتشتی در مقابل دین تا زده راین نکته می‌دانند که چون دین زرتشت به عنوان اندیشه ایرانی و اندیشه اشوزرتشت بوده است و نیز در گذشتندگان اینهای را می‌گذارند.

منطقی که در این خصوص دکتر رجیبی بیان می‌دارند با نظر مورخان و متخصصان ایران شناس همچوینی ندارد و برخی سبب اصلی رکود دین زرتشتی در مقابل دین تا زده راین نکته می‌دانند که چون دین زرتشت به عنوان اندیشه ایرانی و اندیشه اشوزرتشت بوده است و نیز در گذشتندگان اینهای را می‌گذارند.

منطقی که در این خصوص دکتر رجیبی بیان می‌دارند با نظر مورخان و متخصصان ایران شناس همچوینی ندارد و برخی سبب اصلی رکود دین زرتشتی در مقابل دین تا زده راین نکته می‌دانند که چون دین زرتشت به عنوان اندیشه ایرانی و اندیشه اشوزرتشت بوده است و نیز در گذشتندگان اینهای را می‌گذارند.

منطقی که در این خصوص دکتر رجیبی بیان می‌دارند با نظر مورخان و متخصصان ایران شناس همچوینی ندارد و برخی سبب اصلی رکود دین زرتشتی در مقابل دین تا زده راین نکته می‌دانند که چون دین زرتشت به عنوان اندیشه ایرانی و اندیشه اشوزرتشت بوده است و نیز در گذشتندگان اینهای را می‌گذارند.

منطقی که در این خصوص دکتر رجیبی بیان می‌دارند با نظر مورخان و متخصصان ایران شناس همچوینی ندارد و برخی سبب اصلی رکود دین زرتشتی در مقابل دین تا زده راین نکته می‌دانند که چون دین زرتشت به عنوان اندیشه ایرانی و اندیشه اشوزرتشت بوده است و نیز در گذشتندگان اینهای را می‌گذارند.

منطقی که در این خصوص دکتر رجیبی بیان می‌دارند با نظر مورخان و متخصصان ایران شناس همچوینی ندارد و برخی سبب اصلی رکود دین زرتشتی در مقابل دین تا زده راین نکته می‌دانند که چون دین زرتشت به عنوان اندیشه ایرانی و اندیشه اشوزرتشت بوده است و نیز در گذشتندگان اینهای را می‌گذارند.

منطقی که در این خصوص دکتر رجیبی بیان می‌دارند با نظر مورخان و متخصصان ایران شناس همچوینی ندارد و برخی سبب اصلی رکود دین زرتشتی در مقابل دین تا زده راین نکته می‌دانند که چون دین زرتشت به عنوان اندیشه ایرانی و اندیشه اشوزرتشت بوده است و نیز در گذشتندگان اینهای را می‌گذارند.

منطقی که در این خصوص دکتر رجیبی بیان می‌دارند با نظر مورخان و متخصصان ایران شناس همچوینی ندارد و برخی سبب اصلی رکود دین زرتشتی در مقابل دین تا زده راین نکته می‌دانند که چون دین زرتشت به عنوان اندیشه ایرانی و اندیشه اشوزرتشت بوده است و نیز در گذشتندگان اینهای را می‌گذارند.

منطقی که در این خصوص دکتر رجیبی بیان می‌دارند با نظر مورخان و متخصصان ایران شناس همچوینی ندارد و برخی سبب اصلی رکود دین زرتشتی در مقابل دین تا زده راین نکته می‌دانند که چون دین زرتشت به عنوان اندیشه ایرانی و اندیشه اشوزرتشت بوده است و نیز در گذشتندگان اینهای را می‌گذارند.

منطقی که در این خصوص دکتر رجیبی بیان می‌دارند با نظر مورخان و متخصصان ایران شناس همچوینی ندارد و برخی سبب اصلی رکود دین زرتشتی در مقابل دین تا زده راین نکته می‌دانند که چون دین زرتشت به عنوان اندیشه ایرانی و اندیشه اشوزرتشت بوده است و نیز در گذشتندگان اینهای را می‌گذارند.

منطقی که در این خصوص دکتر رجیبی بیان می‌دارند با نظر مورخان و متخصصان ایران شناس همچوینی ندارد و برخی سبب اصلی رکود دین زرتشتی در مقابل دین تا زده راین نکته می‌دانند که چون دین زرتشت به عنوان اندیشه ا

نیبرگ هر دو افراطی است و این در حالی است که هم نیبرگ و هم هرستفلد اعتقد دارند که کلام اسوزر تشت را بسیار خوب فهمیده اند. نیبرگ در جواب هنینگ که در رد نظریاتش کوشیده است نظریاتش را «اتهام شرارط پار و جدل غیرمنصفانه» خوانده است.

برودلف روشاهی پژوهش نیبرگ را غیرعلمی و غیر واقعی می داند و معتقد است که او نه تنها حد و مرز علم را نادیده گرفته است بلکه در برخی موارد با نظریاتش مفهوم کلی اوستا را مورد تجاوز قرار داده است و ویدن گرن نیز بر نیبرگ می تازد حال نظرات شدرو شلرات گمین و آلتیهم نیز برای مقایسه و اندیشیدن در این موضوع خواندنی است. موله از یک سو می پذیرد که اسوزر تشت با آداب و رسوم کاهنهای اریایی به سختی مخالفت کرده و علیه قربانی های خونین و سایر شعائر و آداب و رسوم خرافی قیام کرده و اندیشه و گفتار و کردار نیک را پایه دینش قرار داده از سویی دیگر دچار تنافق می شود او را در حد یک هندی سرو گوپایین می اورد و در توجیه این تنافقس ناتوان است و راه به جایی نمی برد و اشتباهاتی را مرتکب می شود که از جمله اند اختلاط اسوره ها و دُوهه ها و کشف زروان در پشت اهورامزدا.

جالب اینکه محققین غربی خود نظرات یکدیگر را زیاد تحویل نمی گیرند مثلاً در موردنظریات موله تنها شارط اظهار نظر می کند و آنها را نیز رد می نماید و به قول استاد جلال الدین آشتیانی که اینجانب در این قسمت بسیار از مطالعات و پژوهش‌های ایشان بهره گرفته ام می توان دریافت که چنین ایداعات افراطی، مورد توجه و قبول روشنگران قرار نخواهد گرفت و آن‌ها حتی بحث درباره ایرزاکان می دانند و برداشت‌هایی که بر پایه علمی استوار نباشد و بدون بهره گیری از مدارک قابل اعتماد و اصول علم زبان شناسی و تنها با تکیه بر روایات و افسانه‌های عالمیانه و ادبیات کلیسايی ابداع و اختراع شده باشد در محاذیق علمی مورد توجه قرار نمی گیرند. استاد اگر قرار باشد به مقدّسات دینی توهین روابداریه فتح بیانی تارو را اینین می نهید که نه در خورشان علمی یک پژوهشگر است و نه در خور عرصه داشن، آزادی، آزادادمنش، جوانمردی، انصاف و بالاتر از همه اصول اعتقادی مدمّا..

هرگز خوشایند دیگر هم میهنان و معقدان به ادیان
دیدگر نخواهد بود اگر فردا روزی از گوشه ای ، فردی با
برداشت از نظریات زهتر بنویسد که پیام اشوزتر شست از
جانب یهودیان به مسیحیت منتقل شده با نظریه زوستر را
ملاک قرار داده و بگوید و بنویسد که بپشت و دوزخ
زرتختی به دیگر ادیان راه یافته یا تاخت تاثیر گفته های
میلز بیان کند که دین زرتشت بر دین یهود اثر مستقیم
داشته است و یا گفته فیلیسین شاله را مناطق داوری قرار
نهاد و بیان دارد که دین زرتشت در آیین جین و بودا
نفوذ چشمگیری داشته است یا نظرات ویل دورانت را
سرلوحة بیوهش ، خود در این باب قرار گهه.

به گفته حافظ اهل دل:
سالهادل طلب جام از مامی کرد
و آنچه خود داشت زیگانه تمانا می کرد
گوهری کر صدف کون و مکان بیرون است
طلب از گمشدگان لب دریا می کرد

ایسنای ۴۷ بند ۲ و ۴۴ بند ۳) و او را بپارداز، پدر و دوست آدمیان معرفی می کند (ایسنای ۴۵ بندهای ۴ و ۱۱) وحدت وجود رامطرح می کند (ایسنای ۳۱ بند ۸) خداوند را نوانی ترین نور مینیو می نامد (ایسنای ۴۳ بند ۲ و ۴۵ بند ۱۰ و ۳۱ بند ۷) خودشناسی و خویشتن پژوهی را زمینه خداشناسی می داند (ایسنای ۴۵ بند ۱۰) و هدف اینها می را رسیدن به خدا و محو شدن در او می داند (ایسنای ۳۴ بند ۱۳) برگشت همه را به سوی خدا می داند (ایسنای ۳۳ بند ۶ و ۳۴ بند ۶) از پیروان و همیاران و بزرگان هم عصر خود با نام ذکر می کند و برای آنها پاداش نیک طلب می کند پذیرفته شلن دینش توسط حاکم وقت را متذکر می شود (ایسنای ۵۱ بندهای ۱۶ و ۱۷ و ۱۸) از اقوام و فرزند خود پیاد می کند و به او سفارش دارد (ایسنای ۵۱ بند ۱۹ و ۵۳ بند ۳) اندرزی شنیدنی به عروسها و دامادها و جوانان و همسران دارد (ایسنای ۵۱ بندهای ۷ تا ۱۰).

و انجام رسالتش را در یستانی ۵۳ بند ۱ بیان می کند و شادمان است که برترین آرزویش برآورده شده و هورامزد از راه اشنه (اشنا) به آینین او زندگانی جاودی بخششیده و حتی شمنانش نیز پیرو دینش شده اند.

حال با این تفاسیر و همپرسی با خرد و اندیشه، در مواردی که عرض شد آیا رواست که اینگونه بر شوزر تشت این پیام اور نیک خداوندی و کلام و کتاب هورایی اش بی مهری روا داشته و جفا کنیم، او زیش تحریف پیام و گفتارش را به بداموزان نسبت داده است (یستانی ۳۲ بند ۹) نیک می دانیم که استاد از بداموزان نیستند و قطعاً سهوی رخ داده است. بیایم مهروزی و اندیشه پیشنه کنیم و حق را بینیم و از حقانیت دفاع کنیم بذر نامهربانی و عدالت و کینه نپاشیم که حاصلی جز تفرقه و دشمنی نخواهد داشت و بهره و سودش را شمنان خواهند برد. به گفтар دکتر بابک عالیخانی در کتاب بررسی طایف عرفانی در نصوص عتیق اوتیانی صفحه ۴۳ توجه کنیم:

۱). گاهان زرتشت کلام عاشقانه است یعنی رنگ و بوی غزل دارد. ۲). گاهان کلام قدیم خداوند است که بر زرتشت آشکار کرده است و به همین کلام قدیم حق تعالی عالم را آفرید. ۳). زرتشت به الهام روح القدس

سخن می دوید و نه از روی هوی
این گفته یک پژوهشگر سلطان این اوتیابی است
که پژوهش های ایشان نزد خیرگان این رشته مقبول و
در خور توجه تشخیص داده شده است. حال اگر
جنایاتی به گزارشات ضد و نقیض برخی ایران شناسان
و اوستا پژوهان توجه داشته و اظهارات آنان را ملاک
قرار می دهید ذکر چند نکته را لازم می دانم: اولاً محققان
غیربی اکثرا، نه خود و متش و طرز نگرش شرقی دارند
نه دریافت و پرداشت و کنش شرقیان را درست در
می بینند و صرف منطق خشک عقلانی را اصل و مرجح
بر دل و معرفت قلبی می دانند که این اساسی ترین
مشکل آنها در مقوله برسی آثار و عملکرد و دریافت ما
شرقیان از دنیا و عقبی و خالق و آفرینش است ثانیا اگر
قرار است ملاک ، تقدیه فکری از فکر آنان باشد، پس
آنده و خودروزی و احساس درونی و نیروی دل
شرقی کجا فرست ظهور و بروز خواهد یافت؟ در کجا
جولان خواهد داد؟ حاصل کارش را بر چه کسی عرضه
خواهد کرد؟ مگر قرار است همه راه ها به مرخت شود
و هر آنچه که آنان بگویند و بتوینند ملاک و طرز تلقی
و پرداشت مقاراً گیرد و پرداشت پژوهش سکانی چون
استاد پوراداود، دکتر عالیخانی، استاد آشتینی، دکتر
آبینیان ساسانیفر، مودی آذر گشتبه، مودی شهرزادی، دکتر
علی اکبر جعفری و... مجهور و راکد بماند ثالثاً اگر قرار
است ملاک فقط برداشت غربیان باشد پس گفتار و
آنده و معروف ترینشان، بحث و جدل و درگیری و رد
کردن و نقش نمودن پژوهشها و گفتارشان را پیش رو
بگذاریم و سپس قضاوی و داوری کنیم و بدانیم که اگر
قرار باشد به ساز آنان برقصیم هر ساعت باید رنگ
اعوض کنیم و تشتت افکار پیشنه سازیم.

برای هایی فن، دعواه میلز و دارمستر و ادعای شر و هرتل بر سر گاهان اشوزرتشت اشناس است یا نیبرگ اضطراری در مورد گاهان و اشوزرتشت ایراز داشت که هرتسفلد برای ردن نظریات رساله ای در ۸۰۰ صفحه نوشته و اغلب محققین نظرات نیبرگ را مورد انتقاد قرار داده اند. هنینگ باز اعتقاد دارد که نظرات هرتسفلد و

منسوب به روزت شست است». با پرسی گاهان (گاتها) هرگز به این نتیجه نمی‌رسیم چون از لحاظ زبان‌شناسی اصیل ترین و قدیمی ترین متن یکدست اوتستای است که رعایت کامل دستور زبان اوتستای در آن دیده می‌شود، استاد خود در زبان فارسی باستان سر رشته دارند و قطعاً زبان اوتستای را نیز می‌دانند و با رجوع به معلوماتشان و با گذرنی بر دستور زبان اوتستای گاهان، این نکته را تصدیق خواهند کرد که در اصلت گاهان (گاتها) نمی‌توان تردیدی رواداشت صرف فعل و صفت و ضمیر در هشت حالت صرفی (فاعلی، رابی، ازی، بایی، دری، اضافی، ندایی و برایی) و سه جنسی بودن آنها (مذکور، مونث و خنثی) و اینکه صفت، کاملاً در حالت صرفی و شمار و جنس تابع موضوع خود بوده و ستاک مضارع و نقلی و ماضی داشتن فعل و ینکه فعل در اوتستاز ستاک فعلی و شناسه تشکیل شده و هم اینکه وجه فعل و شمار (مفرد، مثنی و جمع) و شخص (اول، دوم و سوم) در شناسه فعل نهفته اند و هر فعل با تغییر شناسه اش صرف می‌شود، همگی اینها بیشترانه این اصطانتند چون حتی کوچکترین تغییر یا دستکاری در یک واژه در یک متن، نظام دستوری حاکم بر این زبان را به شرحی که رفت، مختلط می‌سازد و اوتستاشناسان سریعاً متوجه خواهد شد و زبان اوتستایی گاهان جنان کامل است که کوچکترین تغییر و تحریف را بر نمی‌تابد و آنرا آشکار و نمایان می‌سازد و این را اساتیدن فنا تایید می‌کنند و می‌دانیم که اگلاط و ندیدادی که حاصل تطور و سیر طبیعی زبان است را سریع و کامل تشخیص می‌دهیم و تحت عنوان غلط و ندیدادی در مباحث دستوری مطرح می‌کنیم، از دیگر سو گاهان به شعر است و وزن و آهنگ دارد و تغییری هر چند اندک در واژگان، وزن شعری آن را مختلط می‌کند و این نکته نیز باید مد نظر قرار گیرد.

اما در مورد منسوب بودن گاهان به اشوزتاش و شک در اصالت آن در بعدی دیگر به برخی اشارات گاهانی می پردازیم و آن را در گستره اندیشه و خرد بر می رسمیه:
اشوزتاش در گاهان (گاتها) ذکر می کند که با نیروی خرد و هومنه (اندیشه نیک) به وجود خداوند پی می برد (یستانی ۳۱ بند ۸ و ۵۰ بند ۸) پرسشهای متعددی از او می پرسد (یستانی ۴۴ بند ۱۳ تا ۲۰) از او طلب یاری و پشتیبانی دارد (یستانی ۴۴ بند ۱۱) برگیریده شدن خودش را مطرح می کند (یستانی ۲۹ بند ۳۰) نخستین موظله خود را بیان می دارد (یستانی ۳۰ بند ۱) پیامی را مطرح می کند که تا آن زمان کسی نشینشیده است (یستانی ۳۱ بند ۱) لزوم ظهور خویش را بیان می دارد (یستانی ۳۱ بند ۲) و مأموریت خود از طرف خداوند برای ارشاد مردم را آشکار می کند (یستانی ۳۱ بند ۱ و ۳۰) دو مین سخترانی اش را برای همه افرادی که از دور و نزدیک آمده اند، بیان می کند و در خواست دارد همه با گوش هوش بشنوند و به خاطر سپسپارند تا مبادا آموزگاران دروغ گمراهشان کنند و دو جهانشان را تباہ سازند (یستانی ۴۵ بند ۱) خداوند را آغاز و انجام همه چیز می داند (یستانی ۳۱ بند ۸) خداوند را از همه چیز، آکاه معرفی می کند و فقط او را سزاوار پرسش می داند (یستانی ۳۳ بند ۵ و ۴۵ بند ۹) جهان و نعمات خداوندی را محترم می شمارد و درخواست دارد که دیگران نیز این گونه عمل کنند (یستانی ۳۳ بند ۱۰) قربانی و مصرف نوشابه های مستی اور و خرد زدرا منع می کند (یستانی ۳۳ بند ۱۲ و ۱۴ و ۴۸ بند ۱۰) خوشبختی انسان را در گرو خوشبختی دیگران معرفی می کند (یستانی ۴۴ بند ۱) آمده باید با بدی و بدکاری مبارزه کند (یستانی ۴۶ بند ۴) و اینکه دوزخ مکان

بکرداران و دروغکاران است (یسنای ۴۶ بند ۱۱) و پنهانگاهش بهره نیکان و نیک اندیشان و راستکاران است (یسنای ۵۰ بند ۳۱ و ۲۸ بند ۱۹) و شفاقتی در کار نیست و خداوند بر اساس اشه و بی نظر داوری خواهد کرد (یسنای ۳۳ بند ۱) اینکه همه آفرینش استایشگر خداوند (یسنای ۵۰ بند ۱۰) و ما اختیار گزینش راه نیک یا بد را داریم (یسنای ۳۱ بند ۹ و ۱۱) و تاکید بر اندیشه و گفتار و کردار نیک (یسنای ۴۷ بند ۱، ۵۳ بند ۲، ۵۱ بند ۲۱ و بند ۸ و ۵۱ بند ۳) بر خدمتگزاری به مردم ابرامی و بیزه دارد (یسنای ۳۳ بند ۱۴) خداوند را آفریدگار کل و پدر راستی می شناساند

اندیشیدنی تر اینکه اشوزرترست در گاهان اصل «اوشت»
اهمایی پهمایی، اوشتا که‌های جیت» خوشبختی خود را
در خوشبختی دیگران جستن (یسنای ۴۳ بند ۱ و
یسنای ۵۱ بندهای ۸ و ۲۰) را مطرح می کند که اصلی
جادوانه و مترقی است، بسیار زیبا و مینوی اندیشیده
شده و به هیچ وجه این اصل یک شعار ایده‌آلی و آرامانی
نیست، به قول روانشناس موبد شهزادی انسان نمی تواند
تهما به خوشبختی خود بیاندیشد و دیگران را فراموش
کند چون اگر انسان تنها به فکر خوشی باشد و
مشغولیت ذهنی و عملی اش حول محور فردی بچرخد
نمی تواند در میان جمع راحت و آسوده و با آرامش
زنده‌گی کند. داشتن یک کاخ در میان حلبی ایاد و در
جمع مردمان گرسنه و زنده پوش، شیک و مرفة بودن
اصل خوشابیند نیست و احساس خوشبختی به انسان
دست نمی دهد انسان موجودی اجتماعی است و خرد
گرا و از روی سرشت و فطرت مایل است خوشی و نیک
حالی خود را با دیگران تقسیم کند و توجه دادن به این
اصل درونی و پرورش آن، خوشبختی فرآگیر و آسایش
و آرامش همگانی را در پی خواهد داشت و این اصل در
خود توجه و اندیشه است.

نکته ای دیگر که در گاهان اشوزر تشت خودنمایی می کند رعایت اصل برابری زن و مرد است و مورد خطاب قرار گرفتن هردو جنس را تفاوت و تبعیضی را پیشان گذاشت نمی شود و نیز اینکه پیاشش را برای بشیریت آورده و نژاد و رنگ و فرقه ای را مورد توجه ویژه قرار نداهد است و هیچ کجا شنوندگانش را پیرو خود نمی نامد و ابرامی خاص بر آزادی و آزادمنشی و خصلت های نیک بشیری دارد.

فلسفه انسان را دارای دو قوه عقل نظری و عقل عملی می دانند که عقل نظری را حکمت نظری و عملی تشکیل می دهد و حکمت نظری در مورد بود و نبود و هست و نیست چنان و در یک کلام آگاهی از چیزهایی که شایسته دانستن هستند بحث می کند و حکمت عملی درباره بایدها و نبایدها و آگاهی از آنچه سزاوار به کار بستن هستند داد سخن می دهد نیز عقل عملی ناظر بدان چیزی است که انسان انجام می دهد و به قول حکما فیض های یافته را در مادون پیاده کردن است و چون گاهان اشوزر تشت تاکید فراوان بر قوه عقل و خرد و نیروی اندیشه بین آدمی دارد به تمامی این موضوعات پرداخته و از این حیث بدیع و ارزشمند بوده و برای انتقال و بسط و شرح مقاهم آن نگرشی نو و دیدی ژرف رامی طبلد (اظهیر کار دکتر عالیخانی).

روی سخن اشوزر تشت در گاهان با دانایان و انتظارش نیز از همین گروه است و خردمندان را مورد خطاب قرار می دهد و اندیشه و خرد (من و خرت) آدمی را در زمینه شناخت خداوند و جهان آفرینیش کارساز می داند و او خود به واسطه و هومنه (اندیشه نیک) به وجود خداوند پی اندیشه را کافی نمی داند و در کنار آن دل و معرفت قلبی را کارا و مکمل می داند (آترسچاممنگ هسچا)، یعنی ۳۳ بند های ۹ و ۸، یسنای ۴۵ بند ۸ و یسنای ۳۰ بند ۹ به قول فرسوی بنزگ «کرین برتر اندیشه بر نگذرد» که اندیشه را مزد و حدی است برای شناخت خداوند و دل و معرفت قلبی است که این شناخت را به اوج می رساند و به قولی دیگر پیامبر باطنی و معرفت قلبی هر دو عامل شناخت کامل خداوندند. منطق خشک و بیرون اندیشه با گرمی و احساس لطیف دل است که سبب مانگاری خداشناسی و باوری آن می گردد و کلا دین با گذراز اندیشه، در دل پایداری و قوام می یابد و منشائی می شود.

در شمای کلی گاهان (گاتها) چنانکه می دانیم دارای ۵ بخش اهندگات، اشتودگات، سپتتمدگات و هوخسترگات و هشیتوایش گات است که اهندگات موضوعش درباره نیايش خدا، گزینش پیامبر و آزادی گزینش دین استه اشتودگات درباره آفرینش، خودشناسی و خداشناسی موضوعیت دارد، سپتتمدگات درباره آفرینش و سپتتمتیونیو بحث می کند، هوخسترگات درباره تازه شدن جهان (فرشه) و بهره کردن ادمی صحبت می دارد و بخش پیانی یعنی هشیتوایش گات بیان والاترین آرزوی اشوزترسته را در بردارد. هدف آنست با این توضیحات به نقد این جمله دکتر رجبی پیره زیم که «صالت گاتها مورد تردید است و

۱. مشکل اساسی که اجرای ماده ۸۸۱ مکرر قانون مدنی برای ارت ایرانیان غیر مسلمان پدید آورده است، شان و منزلت انسانی ادیان مورد تایید در قانون اساسی را مورد تهدید و تحقیر قرار داده و باعث مخدوش ساختن برخی تفکرات اجتماعی گردیده است. قانونی که باعث از هم پاشیدگی خانواده ها شده است. با وجود آنکه جناب آقای آیت الله هاشمی شاهروندی مقاله ای مفصل در تایید اصلاح این ماده قانونی به رشته تحریر درآورده و سران سه قوا نیز آنرا تایید کرده و حتی مرکز پژوهشگاه مجلس نیز طرح اصلاح آنرا مورد تأکید قرار داده مشخص نیست پر اقدامی جهت حل این معضل اجتماعی و حتی در برخی موارد سیاسی نگردیده است. از کمیسیون قضایی مجلس می خواهمن مطابق آیین نامه داخلی به وظیفه خود عمل کرده و طرحی که حداقل در مجلس هشتم حددود دو سال است مسکوت مانده بررسی و در هر حالت در صحنه علني طرح نمایند. اینجانب مطمئن هستم، همکارانم که نمایندگان ملت ایران می باشند با بلند نظری و درنظر گرفتن مصالح ملی این طرح را تایید کرده و جلوی این تعییض ناروا را خواهند گرفت.

۲. با گذشت پنجم سال از برنامه چهارم توسعه، تاکنون اقدام موثری در اجرای ماده ۱۲۰ این قانون مبنی بر توسعه مشارکت ایرانیان غیرمسلمان در سیاستگذاری کشور مشاهده نگردیده است و حتی در بخشی موارد در استخدام این عزیزان در دستگاهها و وزارتاخانه‌ها مشکل و تبعیض پدید آمده است که برخلاف اصول ۱۹ و ۲۸ قانون اساسی است که تاکید گردیده در ایران شهرهوند درجه ۲ نباید وجود داشته باشد. این در حالی است که همواره همکیشان گرامیم در رده‌های گوناگون، افراد شایسته و موققی بوده‌اند. نمونه‌های آنرا می‌توان در گذشته نچندان دور از آموزشگاه‌های بنام و پیشتر اینها در بهره‌مندی ایران لایق و آموزگاران برجسته بودند. در شهرهای همچون کرمان، یزد و تهران یافت. در صورتیکه در حال حاضر بسختی می‌توان یکی از این افراد کاردان و مدیران را در پستهای حتی رده‌های اینست. بگارگیری این افراد فرهنگ پرور و فرهنگ دوست در توسعه پایدار موجب سربلندی بیش از پیش می‌باشد. عزیزان می‌گردد و فراموش نگردد که حذف افراد کاربردی، صدمات جبران ناپذیری را در بر خواهد داشت.

۳. از کلیه وزارتاخانه‌ها، دستگاه‌های اجرایی و ستادی می‌خواهیم به اصل ۱۳ قانون اساسی پایبند باشند و در راستای اجرای آن قدم بردارند. اصلی که به صراحة و شفافیت آزادی ایرانیان غیرمسلمان را تضمین

در پایان باید تأکید کنم در سالهای گذشته با وجود برخی مهربانی‌ها جامعه ایرانیان زرتشتی همواره به قوانین کشور احترام گذاشته و در چارچوبهای آن حرکت کرده و آرزو دارم با اندیشه نیک، گفتاریک و کوثرانیک، کنار یکدیگر در چهت دوستی و برابری و سازندگی ایران بزرگ و عزیز کوشش نمائیم.

ایدون باد
دکتر اسفندیار اختیاری
نماینده ایرانیان زرتشتی



متن کامل سخنرانی نماینده ایرانیان زرتشتی در مجلس



پروردگار یکتا و بی همتا، همازوی و همبستگی، امید به زندگی و شادی از بخششای جدایی ناضیر آنها است. قلی از اینکه دیر شود و دیگر کشورها آنرا با نام خود به ثبت رسانند. در همین رابطه لازم به ذکر است که با وجود آنکه بارها و بارها مسئولین رده بالای نظام از وزارتیان حمایت کرده اند، اما بی هیچ دلیلی به دفعات متعدد شاهد تهمت و بی مهربانی به ما میهن دوستان بوده ایم. مشخص نیست که چرا گروهی آگاهانه و یا ناآگاهانه نه تنها نارواهانی فراوانی به وزارتیان یکتا پرست نسبت می دهند، بلکه بخش مهمی از فرهنگ ایران را مورد حمله قرار می دهند. تندمنی که جهانیان سر تعظیم در برابر آن فروغ آورده و اولين سمبول حقوق بشر که همانا منشور کورش باشد را بدون هیچ چون و چرايی از آن برمی گزینند. در حیرتم چگونه عده‌ای بخود اجازه می دهند، فرهنگ سنت و تمدن این کشور اهورایی را که باعث فخر تمام چهانیان بوده و حتی سعی در ثبت آن به نام خود دارند را از تربیوهای گوناگون اینگونه مورد هجوم قرار دهند، رویه ای که باعث دلسوزی تمامی ایرانی های پاک نهاده می گردد. از مسئولین می خواهم با این افراد تفرقه انگیز برخوردی جدی و درخور داشته باشند و پیشنهاد می دهم نگاهمنان را به تاریخ ایران یک دست نماییم و به چندین هزار سال تاریخ پرسشکوه مان به دیده افتخار بینگیریم.

اما در این فرصت اندک لازم می دانم چند نکته دیگر را نیز به اطلاع تمامی مسئولین برسانم تا جهت رفع آن اقدامات لازم را انجام دهنده:

کوکت اسفندیار اختیاری در بیست و پنجمین روز فوریه ماه یکی از سخنرانان میان دستور صحن علنی مجلس شورای اسلامی بود.
ای ری در سخنان هفت دقیقه ای خود ر مشكلات جامعه زرتشتی گفت
شش کلاتی که بر اساس قانون
سازی ایران نایاب شاهد آن باشیم.
ر تهمت های ناروا به زرتشتیان و
برهنهگ و تمدن ایران زمین، از عدم
صلاح اصل ۸۱ مکرر قانون
ملذتی، از تبعیض استخدامی
زرتشتیان و تاکید کرد که در قانون
سازی شهر وند درجه دو نداریم.
تندیکان خان: دکتر احمد

خشنه اتره اهورهه مزادو
لجهه نام دانی بزرگ هستی بخشش
برود به روان بنیانگذار انقلاب که خا
ر حضور گروهی از زرتشیان هن
مانده است. ایشان فرمودند «ایران و
مذہب همه است. ما ملت واحد ه
ر، رتشی هستید و همیشه خدمتگزار
ووهادید». و درود به رهبر گرانقد
مامایندگان زرتشیان سراسر جهان
برمودند: «آئین رتشی در ایران متوا
رازی کشور ماه مایه فخر و مبارا
لاد! او لین پیامبر اسمانی جهان، در
برود می فرستم به فرهود راه پاک جان
ما ابد جاوید راه ایران زمین که ا
وجوده، حاصل گانشانی آنها ا
سرافرازانی که ایران را با تمام مقا
عرب، از شمال تا خلیج همیشه پاره
نهایی که فرهنگ و تمدن بسیار غ
غتوں یک میراث گرانیها به ارمغان
آنها نهادند.

دروند، به تمام همکیشان گریختا پرست، خوشنام و پرافتخار که در آن راه از سر جان خود بیرون نمی رایج نماید.

پارس نامه



بر: رشید شهرت
۴ آر: راشین شهرت
سرمیس آیین: مهرداد قردان
سرمیس جامعه: فرزاد شهریاری فر

دنهري، فرزانه گشتاسب، پدرام سروش پور، آيتين،
 ، کامبيز رستمی، اميد کاچيان، منوچهر باستانی، جهانگير
 دی، مانانا میرابی، رامین باسمی بهرام بیذاتی، همراه
 شمشیری، شایان باستانی، پرشن اشیدر، دادیه اونگی،
 شهريار فرد مازيار ميرابي، سيماك جاماسيان، يارك
 ، فرزاد ارجي، بهنام خدادادي، آرش باستانی، رکسانا
 اساکشاورزيان، همراه قنسول فارسي، رامقدقي کرمانی،
 شهريار فر، پريما واؤندی، آيتين ماونتادی، بهروز
 دی، مهمان منوچهری، اميد اوچگانی، ميدیوماه
 دی، همراه هماوندي، بهروز خليلي، فريماه نميريان،
 ن شکر، فريدون نميريان، شبنم خاوريان، ساسان
 لوز، نوشين شهرت، اشا سروش پور، آيتين بهمدردي
 ز ندين، فريدون بهراميان فرشيد، همزنش کاوياني،
 عزتي، پيرور اختياري، توش ديني، کامبيز استادمهری،
 پويجگانی، خدادادخسرويانی، همراه دلخسرويانی، جمشيد
 هر، نوتش باستانی، بهنام بهري، آرش خسرويانی، آريا
 روانی، مازيار باستانی، بهاره ماندگاريyan، رستم فلاخ زاده
 کاکوياني، بهناز گشتاسيان و خبرنگاران تازمندي خبری
 هر، زرتشitan، پرساد (www.berasad.com)
 هر، صفاتي - خيان استاد احمد آرام - کوي استادان
 هتر - کيپستي: ۱۲۱۱۳ - ۸۹۱۵۸

هزار - ۸۸۱ - ۰۳۵۱ - ۸۲۱۰ - ۰۸۷۹ ، دورنگار: ۸۲۱۰ - ۰۳۵۱

كار: ۰۹۳۵۶۲۸۵۳۲ ، صندوق پستي: ۸۹۱۹۵۰/۱۵۴

الکترونيکي: info@Parsnameh.ir

آن گهی ها: ۹۱۳۷۷۲۴۲۵۵۱

نامه در ويرايش نوشته ها آزاد است و همه هي نوشته
 بدگاه يارس نامه نیست.

در رفاقت يارس نامه تعديلات آدرس خود را
 درگاه يارس نامه ارسال نمایيد.

مامه دکتر اختیاری به ریاست شورای
سیاستگذاری ائمه جمعه

سراپارازی که ایران را با تمام مفاهیم خود از شرق تا غرب، از شمال تا خلیج همیشه پاروس، پاس داشتند. آنها که فرهنگ و تمدن سیپار غنی این مروز و بوم را که جزو چنایی ناپدید ایران است نگهبان بودند و بعنوان یک میراث گرانبهای به ارمنستان گذارده اند و در این راه از نثار جان خود نیز دریغ نکردند.

دانه چهارشنبه سوری، ائمه جمعه برخی از شهرهای ایران، ندانستی را درباره زرتشتیان و دین زرتشتی بیان نمودند و اتفاقات باعث شد تا نامینه ایرانیان زرتشتی خشم گفگو و سب به ریاست شورای سیاستگذاری ائمه جموعه در نامه ای به تکمیل تأکید نماید که زرتشتیان یکپاره است و سنتهای اهلانه از فرهنگ و تمدن ایران باستان سیپار با ارزش هستند. ائمه دکتر اسفندیار اختیار، به شرح زیر است:

و درود به تمام میمیسین رونمه، رسپسیون یکتاپرست، خوشام و پر افراحت که در هر مکان و زمانی که باشند، فر ایران از آرمانهای آنها است و آنرا در اینجا می بینند. این اتفاقات از این دلایلی می باشد که:

در زبانی از تاریخ به انتبات رسانده اند. قبل از هر موضوعی ثبت نوروز این کهن جشن باستانی که در میان تمام سال نوها، به معنای واقعی سال نو و بهار طبیعت است، به عنوان اولین میراث ناملموس ثبت شده ایرانی را به تمام جهانیان شادیابش می گویند. ثبت این میراث معنوی در تقویم بین المللی یک گام بلند و پیروزمندانه برای فرهنگ غنی این مرز و بوم است. این اقدام، مسئولیت همه دستگاههای مرتبط و نهادهای فرهنگی را دوچرخان می کند. ما باید به جای تاثیر پذیری از خردۀ فرهنگ‌های غربی که هیچ ساختی با آداب و رسوم و نظرکار ایرانیان ندارد برای انتقال این سنت های خردورزانه که با منش و اخلاق نیاتمندان در طول هزاره های گذشته در آمیخته، بیرون مرزها بیش از گذشته برنامه ریزی و تلاش کنیم. همچنین ترویج این فرهنگ هوشمنانه در عرصه ملی بهترین راه مقابله با فرهنگ بیگانگان بوده و با پرجسته سازی و احیای برخی از آنها می توان هویت اصیل ایرانی را به جوانان خود هدیه دهیم.

سنت با احیای رسوم باستانی و ایرانی، با همان مقاهمیت شن بینگانگار کبیر انقلاب، رژیشنیان همیشه خدمتگزار و ملت و مملکت بوده اند. رهبر مظالم انقلاب نیز در دیدار شیخان سراسر ایران جهان، یکتاپرستی ایرانیان را در درازانی مایه فخر و میاهات استند. بنابراین براساس یکی از انکارانبارنده رژیشنیان یکتا پرست بوده و دارای کتابی با نام گانهای باشند. این موضوع در اصل سیزدهم اسas، توسط نظام جمهوری اسلامی ایران مورد قرارگرفته است و ایرانیان رژیشنی دارای نماینده در سنت شورای اسلامی می باشند.

ذکر است فرهنگ و سنت ایرانیان، با منش، اخلاق و بیانکان مادر طول هزاره های گذشته درآمیخته و در این سنتهای تیاش و پرسش پروردگاریکاتوی همنام، بروز و همبستگی، امید به زندگی و شادی از بخششای بگی هستند. اما متأسفانه چند سالی است که برخی کج ها در مراسم چهارشنبه سوری باعث به وجود آمدن نهادهای جریان ناپذیر جانی و مالی شده است، اتفاقی که چچ عنوان مورد تایید نیست و ارتباطی با فرهنگ و ایرانیان ندارد.

است با احیای رسوم باستانی و ایرانی، با همان مقاهمیت

در اینجا ضمن تشکر از سازمان میراث فرهنگی و گردشگری به مناسبت این اقدام درست و بجهة خواستار ثبت دیگر آثار فرهنگی بخصوص دیگر میراث معنوی ایران زمین چون جشنهای مهرگان، تیرگان و سده هستم. جشنهای ملی که در دل خود علاوه بر پرستش باسپاس دکتر اسفندیار اختباری نماینده ایرانیان زرتشتی

